

جامع التواریخ حسنی

چند سال پیش، مقدمه و بخش تیموریان پس از تیمور از کتاب جامع التواریخ حسنی که با همکاری دوست دانشمند آقای دکتر حسین مدرسی طباطبائی استاد کنونی دانشگاه پرینستون (امریکا) تصحیح شده بود به لطف آقای دکتر ریاض الاسلام در کراچی (پاکستان) به چاپ رسید، اما چون آن متن چنانکه باید در ایران شناخته نیست مقدمه‌ای که بر آن نوشته‌ایم برای آگاهی علاقه‌مندان درین مجله به چاپ می‌رساند.

ایرج افشار

این کتاب که یک دوره تاریخ عمومی به روش گذشتگان - از هبوط آدم تا روزگار مؤلف آن است، در سالهای ۸۵۵-۸۵۷ وسیله تاج‌الدین حسن بن شهاب بن حسین بن تاج‌الدین یزدی، شاعر و مورخ و منجم که سالیانی دراز از عمر را در کرمان گذرانیده، به نام میرزا سلطان محمد و میرزا ابوالقاسم بابر از نوادگان امیر تیمور تگورکان نگاشته و به گفته مؤلف لب و چکیده مطالب پنجاه مجلد تاریخ در آن گنجانیده شده است.^۱

جامع التواریخ حسنی در شش قسمت و قسمت ششم آن در هفت فصل نگارش یافته و فهرست اجمالی مطالب آن چنین است.

مقدمه [۹-۱]

قسمت اول: ذکر آدم و حوا و فرزندان [۱۴-۹]

قسمت دوم: در ذکر ملوک عجم و سیر آنان. از پیشدادیان تا ساسانیان [۸۴-۱۴]

قسمت سوم: در ذکر سرگذشت پیامبر اسلام و دودمان و جانشینان او [۱۱۲-۸۴]

قسمت چهارم: در ذکر خلفای بنی امیه [۱۲۴-۱۲۲]

قسمت پنجم: در ذکر خلفای بنی عباس و پادشاهان هم عصر آنان از جمله سلجوقیان [۴۳۶-۱۲۴]

قسمت ششم: در ذکر پادشاهانی که پس از سلجوقیان آمدند. در چند فصل:

فصل ۱- آل بویه [۴۳۹-۴۳۶]

فصل ۲- آل خوارزم [۴۴۲-۴۳۹]

فصل ۳- آل سلغر [۴۴۴-۴۴۲]

فصل ۴- قراختائیان [۴۴۵-۴۴۴]

فصل ۵- آل مظفر [۴۳۸-۴۵۴]

فصل ۶- ایلخانیان مغول [۶۳۶-۵۳۸]

۱- اما در دیباچه کتاب ذکر «بسیست مجلد» می‌کند (ص ۱۲).

۲- کذا در متن، در شمار پادشاهان پس از سلجوقی آورده شده‌اند.

فصل ۷- سرگذشت تیمور [۶۳۶-۷۸۳]

بخش مهم آن، قسمتی است زیر عنوان «تاریخ جماعت بعد از وفات صاحبقران» که از صفحه ۸۷۳ تا ۷۸۳ از نسخه‌ای که پس ازین معرفی خواهد شد و اساس چاپ ماست، قرار دارد. این بخش شامل رویدادهای پر از کشمکش است که پس از تیمور و مخصوصاً پس از مرگ شاهرخ بر سر تصاحب و تصرف تاج و تخت به وقوع پیوست و تاروزگار نگارش این کتاب دوام داشت.^۱

ازین کتاب بزرگ، آنچه اثر واقعی قلم و انشاء^(۱) نگارنده آن (ابن شهاب) است و جنبه عصری^(۲) دارد چند صفحه مقدمه و همین^(۳) بخش پایانی کتاب است و باقی^(۴) مطالب آنچنان که مؤلف خود تصریح^(۵) می‌کند رونویسی از کتابهای تاریخی دیگرست که اغلب عین عبارات را از آن کتابها بی هیچ تصرفی و گاه با اندک تلخیصی در مجموعه خود آورده است، همانطور که متداول و مرسوم بعضی دیگر از تاریخ نویسان هم بوده است. بطور نمونه یکی از آن جمله مسطورات ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی است که بصورتی کامل، درست به شکل نسخه‌برداری و کتابت درین کتاب نقل شده است.^۲ چنانکه مشابه آن را در فصل پنجم و ششم کتاب (سرگذشت چنگیزخان و آل مظفر) می‌یابیم.

۱- درباره حوادث این دوره مهم و پرآشوب که در چند منطقه میان نوادگان تیمور منازعات طولانی وجود داشت هنوز تحقیق جامعی نشده است. آن مقدار از متون کهن هم که به چاپ رسیده وافی به مقصود نیست. بطور اخص مطالعه منابع زیر توصیه می‌شود:

(۱)- از متون کهن احسن‌التواریخ روملو (چاپ عبدالحمین نوائی، تهران، ۱۳۴۹)، تاریخ دیار بکریه طهرانی (چاپ نجاتی لوغال و فاروق سومر، انقره، ۱۹۶۲)، شمس‌الحسن تاج سلمانی (چاپ هانس روبرت رویمر، ویسبادن، ۱۹۵۶)، مطلع سعدین و مجمع بحرین (چاپ محمد شفیع لاهوری، ۱۹۴۹) و مخصوصاً تاریخ قطبی
Tarikh- i Qutbi (Tarikh- i Elchi- i Nizam Shah). By Khurshah ibn- i Qubd Al- Husaini. Edited by Mujahid husain Zaidi, New Delhi, Jamia Millia Islamia, 1965.

(2)- Der Bericht uber die Nachfolger Timurs aus dem Ta'rikh- i Kabir des Ga'fari ibn Muhammad al- Husaini. Herausgegeben, ins Deutsche ubertragen und erlautert vorgelegt von Abbas Zaryab. Mainz, 1960.

(3)- Deux sayyids de Bam au xve siècle. Contribution à l'histoire de l'Iran timouride. Par Jean Aubin. Wiesbaden, 1956. (Akademic der Wissenschaften und der Literature, Nr. 7).

(4)- Turco. Iranica II: Notes on a Timurid decree of 1396/798. By John E. Woods. JNES. 43 (1984): 331-337.
در حال حاضر مسوطرین و روشن‌ترین تحقیق درباره جانشینان تیمور مقاله آقای هانس روبرت رویمرست که در سال ۱۹۷۴ به چاپ رسیده، نگاه کنید به:

(5)- Die Nachfolger Timurs. Abriss der Geschichte Zentral und Vorderasiens im 15 Jahrhundert von Hans Robert Roemer. Islamwissenschaftliche Abhandlungen. Herausgegeben von richard Gramlich. Wiesbaden, 1974 pp. 226-262.

آقای هانس روبرت رویمر هم اکنون به نگارش قسمت تیموریان پرای «تاریخ ایران کمبریج» (The Cambridge History of Iran) اشتغال دارد و مجدداً در آنجا به تفصیل بیشتری به جانشینان تیمور خواهد پرداخت.

برای اطلاع بر شجره مفصل تیموریان، به جداولی که تاکنون تهیه شده است مراجعه شود: جدول مندرج در
Manuel de genealogie et de chronologie pour l'histoire de l'Islam, par E. Zambaur, Hanover, 1927.

و جدولی که مجاهد حسین یزدی در «تاریخ قطبی» به چاپ رسانیده و بالاخره به جدولی که هانس روبرت رویمر برای «تاریخ ایران کمبریج» فراهم ساخته و به لطف دکتر برت فراگنر B. Fragner آن را بیش از چاپ دیده‌ام. (۱.۱)

۲- مؤلف در آغاز سرگذشت تیمور (فصل ۷) می‌نویسد:

«مولانا شرف‌الملله والدین علی الیزدی در اوصاف و افعال آن حضرت و سایر پادشاه زادگان تاریخی ساخته، این است...» (ص ۶۳۸).

و در پایان آن فصل آمده است: «تست کتاب تاریخ ظفرنامه از تصنیف مولانای اعظم افضل... شرف‌الملله والدین علی الیزدی رحمه‌الله علیه بیدالفیبر المحتاج الی رحمه‌الله تاج‌الدین حسن بن شهاب بن حسین یزدی... در ۲۲ جمادی‌الاولی سنه ۸۵۲ موافق پچین نیل سنه احدی و خمسین و ماه خانی» (ص ۷۸۳).

مرحوم دکتر مهدی بیانی از راه پی بردن به همین نقلهای مشخص بود که توانست قسمتی از کتاب گمشده «بدایع الازمان فی وقایع کرمان» را از میان فصول جامع التواریخ حسنی استخراج و تدوین و چاپ کند.^۱

بنابر این تنها قسمت مهم عصری و اصیل و فایده بخش کتاب جامع التواریخ حسنی (بجز مقدمه) بخش مربوط به حوادث و وقایع روزگار همزمان با نویسنده آن است. بخشهای دیگر هر یک تمام یا قسمتی از یک کتاب تاریخی شناخته. اگر چه در جای خود، در یکی دو مورد به خاطر دردست نبودن یکی دو مأخذ آن قابل استفاده و بهره‌وری است.

تاریخ حوادث کرمان

نگارنده کتاب جامع التواریخ حسنی یکی از ملازمان امیر شمس‌الدین حاجی محمد غناشیرین (از امرای تیموری) بود که مدت چهارده سال در خدمت دیوانی او به سر آورد و از توجهات آن امیر برخوردار یافت و چون امیر مذکور در سال ۸۵۵ (محرم ۲۵) کشته شد مرثیه‌ای در چند بند برای او سرود.^۲ ابن شهاب، پس از اینکه امیر مخدوم او از میان برداشته شد به تدوین این تاریخ به نام میرزا سلطان محمد بهادر، نواده تیمور، آغاز کرد و چون این شخص در نیمه ذی‌الحجه همین سال در محل چناران به هنگام جنگ با برادر خود، میرزا ابوالقاسم بابر کشته شد^۳ دنباله کتاب را به نام بابر پرداخت تا آنجا که به وقایع شبه هشتم ذی‌القعدة سال ۸۵۷ که کرمان بوسیله میرزا سنجر از امیرزاده گان تیموری گشوده شد، رسیده است.^۴

وقایع و رویدادهای یک سال و انداخیر، پس از پایان گرفتن اصل کتاب و در نوبتهایی چند تحریر شده و به همین ملاحظه تاریخهایی که درین قسمت به عنوان تاریخ تحریر کتاب ذکر شده‌اند چند ماهی با یکدیگر اختلاف دارند.^۵

بیشتر مطالب بخش اخیر مربوط به منطقه کرمان و وقایع و حوادثی است که در آنجا روی داده و ازین رهگذر مأخذی است بسیار مهم برای تحقیق در وضع و حال آن بخش از ایران در نیمی از قرن نهم هجری.

در بخشهای دیگر هم اگر نکته‌های تازه‌ای بتوان یافت مطالبی است که چسبه گریخته راجع به کرمان و اطراف آن در لابلای صفحات و سطور به دست می‌آید و این امر طبعاً به مناسبت آن است که مؤلف بخش مهمی از زندگانی را در آنجا گذرانیده و منصبهایی در لشکر و اوقاف آنجا برعهده داشته است.

در همین بخش پایانی شرح دقیقی درباره فرزندان امیر شمس‌الدین حاجی محمد غناشیرین و منازعات و کشمکشهای آنان بر سرفرمانروایی کرمان و مضافات، و وصف مبسوطی از اوضاع اجتماعی کرمان مخصوصاً کیفیت اداره اوقاف در آن سالها آمده است که از جهات مختلف شایسته

۱- برای تفصیل به مقدمه تاریخ افضل یا بدایع الازمان فی وقایع کرمان، تألیف افضل‌الدین ابوحامد احمد کرمانی، فرآورده دکتر مهدی بیانی (تهران، ۱۳۲۹)، مراجعه شود.

۲- متن، ص ۱۲.

۳- متن، ص ۵۰.

۴- آغاز فصل هفتم در سرگذشت تیمور، فسیده‌ای در رشای او در هسانجا درج نموده است (ص ۶۳۶-۸۳۶ نسخه خطی).

۵- متن، ص ۱۷۶.

۶- ذی‌الحجه ۸۵۶، صفر ۸۵۷، پنجشنبه ۲۵ ربیع‌الاول ۸۵۷، سلخ رمضان، ۸، ۸۵۷، ذی‌القعدة ۸۵۷ و جزئیها. بهین لحاظ است که جدولی از سنوات مدرج در کتاب برترتیب تقدم و تاخر سنواری تهیه و در آخر کتاب به چاپ رسانیده شد.

توجه است (صفحات ۹۵-۱۰۶).

گردآورنده کتاب چون خود در بسیاری از وقایع یاد شده حاضر و ناظر و گاه سهم بوده توانسته است خصوصیات اجتماعی قابل ملاحظه‌ای را ضبط کند و ازین زمره است مطالب و موادی از قبیل: - ظالمان غدار درافتاده و بر هر مسلمان که یک دینار گمان می‌بردند به هر بهانه به دست محصل گرفتار (ذی‌الحجه ۸۵۶، ص ۱۰۸).

- جمعی از اهل غرض... دمار از روزگار رعایا برمی‌آوردند... و معموری خود را در پی خرابی رعیت می‌جستند و هر روز بنوعی انگیز و تخصیصی می‌کردند تا بواسطه چهارده یک و ده پنج و چریک و مساعدت و بهای غله و امثال آن حال مردم کرمان به مرتبه مخمضه رسیده... (ربیع‌الاول ۸۵۷، ص ۱۱۷).

- لشکری گرسنه بی‌ترتیب، و یک من جو به ده دینار و گندم به بیست و چهار دینار به دست نمی‌آمد (همان ایام، ص ۱۲۰).

- چون غله بازار کرمان از قدیم ایام از انبار دیوان بود و آن منافقان انبار در بند کردند گرانی واقع شد و مدت یک سال فقیران کرمان یک من نان به ده دینار ستاندند و گوشت به دوازده دینار و به پانزده دینار برسید و سایر اجناس به همین طریق. هرچه یک دینار بود به یک دینار کپکی شد... (ص ۱۲۵).

- مع‌القصه جمعی اوباش تازی یک برجهیده بازاری مدت دو سال و یک ماه کارش مجموع جور و آزار، خدای و خلق ازین جماعت بیزار. (ص ۱۲۹).

- اما در ابرقه از رعایا قریب چند کسی بیش نمانده، مگر حمای (؟) یا علوفه‌خوار و مال عالم برجود، مگر قوت که کم یافت می‌شد، چنانکه برگ درختان از رز و تود و غیره یک من به شش دینار بود و اگر استخوان خرما یافت شدی یک من به ده دوازده دینار می‌خریدند و هر جا انبان کهنه و چرم و سفره کهنه بود بخوردند. (ص ۱۴۶).

و بالاخره شرح عبرت انگیزی است راجع به قضیه سرنگون شدن حکومت سید میرک شروانی و وفادار نوروژی و طرز غارت زندگی آنان - که آن همه را با ظلم و جور فراهم کرده بودند. مخصوصاً نگاه کنید به صفحه ۱۶۷ که صحنه‌ای بسیار شنیدنی از آن وقایع بر ساخته است.

مؤلف جامع‌التواریخ

تاج‌الدین حسن بن شهاب بن حسین بن تاج‌الدین^۱ که در چند جا از خود با عنوانهای «شاعر

۱- مؤلف در چند جای از همین بخش جامع‌التواریخ از خود به صورتهای زیر نام برده است:

- حسن بن شهاب بن حسین بن تاج‌الدین بزدی (ص ۲).

- ابن شهاب (ص ۵).

- حسن شهاب (۲۴).

- حسن بن شهاب شاعر منجم (۵۰).

- ابن شهاب (ص ۶۴).

- حسن بن شهاب بن حسین المعروف به ابن شهاب شاعر منجم (ص ۶۵).

- حسن بن شهاب (ص ۶۷) [در شعر].

- حسن بن شهاب (ص ۹۴ و ۹۹).

- ابن شهاب (در تخلص) (ص ۱۰۷، ۱۴۱).

- حسن بن شهاب‌الیزدی المعروف بابن شهاب منجم شاعر (ص ۱۳۶).

- ابن شهابی بزدی (ص ۱۳۸)، تصور می‌رود که سهو کاتب باشد و همان ابن شهاب درست است.

منجم» یاد می‌کند بنا بر آنچه از نوشته‌هایش درین کتاب برمی‌آید مقیم کرمان بود^۱ و از اوقاف کرمان مبلغ ششصد دینار کپکی و وظیفه‌خواری داشت^۲ پس از اینکه سید میرک شروانی حکومت کرمان را در دست گرفت وظیفه مذکور را قطع کرد. مؤلف درین وقت شصت ساله بود^۳ و به این حساب در سال ۷۹۳ زاده شده بود. اما اینکه ذیل وقایع مربوط به آغاز دوران پس از مرگ تیمور (سال ۸۰۷) خود را بیست و چهار ساله می‌خواند^۴ از موارد سهوالقلم کاتبان یا خود مؤلف است و رقم ۱۴ به غلط ۲۴ در نگارش درآمده و به نسخه حاضر هم رسیده است.

مؤلف در آغاز جوانی از ملازمان خواجه غیاث‌الدین محمد حافظ رازی و در قشون او تواجی پیاده یزد^۵ و مدت پنج سال همراه اردوی میرزا اسکندر فرزند عمر شیخ نواده تیمور بود و در جنگها و اردوکنشهای او حضور داشت.^۶ در اردوی اسکندر هم سمتش تواجیگری پیاده یزد و ابرقوه بود و چهارصد و پنجاه «مرد تخش انداز و رعنداناز» ابواب جمعیش بودند.^۷ هر ده نفر از افراد اردو را «دهجه» می‌گفتند. در همین سفر جنگی بود که تا هفت روز در کوهها می‌گشت و بغیر علف و بیخ‌گزر کوهی خوردنی چیزی نمی‌یافت.^۸

مؤلف در محاصره سال ۸۱۵ شهر قم به نمایندگی از اردوی میرزا اسکندر نزد خواجه محمد قمی امیر آن شهر رفت و رسالت بگذارد.^۹ او از سال ۸۴۰ تا ۸۵۴ به مدت چهارده سال ملازم رکاب امیر شمس‌الدین حاجی محمد غناشیرین (کشته شده در ربیع‌الآخر ۸۵۴) بود و از سوی او مورد احترام و عزت بود.^{۱۰} و بالاخره در سال ۸۵۴ که لشکر میرزا سلطان محمد بهادر به جانب لرستان حرکت کرد سمت «اشراف خانه خاصه و زکوة و داروگی اردو بازار سلطانی» بدو واگذار شده بود.^{۱۱}

مؤلف جامع‌التواریخ فرزندی به نام سیدی غیاث‌الدین علی داشت که مدت یک سال و نیم در یزد از ملازمان خواجه شمس‌الدین محمد قباهی بود^{۱۲} و در سال ۸۵۶ به سعایت از سید میرک شروانی از راه سیرجان به شیراز رفت و به اردوی بابر پیوست^{۱۳} و همین امر موجب آن شد که وظیفه پدر-

→

- حسن بن شهاب بن حسین الیزدی المعروف المشهور بابن شهاب شاعر منجم (ص ۱۳۹).

- ابن شهاب شاعر منجم (ص ۱۵۷).

۱- به صفحه ۱۴۵ مراجعه شود که بطور مطلق می‌نویسد «مصنف جامع‌التواریخ در کرمان متوطن بوده». در صفحه ۹۴ نوشته است: «مدت سی سال در کرمان عامل وضابط و عمید و وظیفه‌خوار واقف بوده. همین مطلب را در صفحه ۹۹ عبارتی مشابه تکرار کرده است.

۲- ص ۱۰۰ متن.

۳- ص ۱۰۶ متن.

۴- ص ۱۴-۱۵ متن.

۵- ذکر او در تاریخ جدید یزد تألیف احمد بن حسین بن علی کاتب آمده است (به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۵)، صفحات ۱۴۷، ۱۴۹.

۶- ص ۲۸ و ۳۰ متن.

۷- مخصوصاً ص ۴۲ متن.

۸- ص ۳۱-۳۰ متن.

۹- ص ۳۶ متن.

۱۰- ص ۲، ۴۸، ۵۰-۵۲ متن.

۱۱- ص ۴۸ متن.

۱۲- تاریخ جدید یزد، ص ۳۶۸ و ص ۱۴۵ متن.

۱۳- ص ۸۰ متن.

مؤلف کتاب - از وقف کرمان که مدت سی سال از آن بهره‌ور بود، مقطوع شد.^۱
این شهاب شعر هم می‌سرود و مبلغی از اشعار خود را جای جای در همین تاریخ گنج‌اینده است، اما همه ابیاتی است سست پایه و کم مایه و عاری از ذوق شاعرانه. مع‌هذا بعضی از آنها دارای فواید تاریخی و اجتماعی است. مؤلف یک جا به دیوان اشعار خود اشاره کرده است.^۲

نسخه‌های خطی جامع‌التواریخ

از جامع‌التواریخ حسنی، تاکنون، دو نسخه شناخته شده است. یکی نسخه‌ای متعلق به کتابخانه ملی ایران (تهران) به شماره ۱۳۳۰ ف، به خط نستعلیق عبدالله کاتب اصفهانی^۳ و مورخ ۸۸۰ در ۴۳۷ برگ.^۴

درباره این نسخه مرحوم دکتر مهدی بیانی در دیباچه «بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان» (تاریخ افضل)، تفصیلی آورده و نوشته است که بسیار مغلوط و دارای بیاضها و افتادگیها و اغلاطی مشهود در اعلام انسانی و جغرافیائی است، چه کتاب که به وضوح مایه سواد کمی داشته - معمولاً در غالب سطرها غلطی به جای گذارده است.^۵

نقص مهم این نسخه آن است که در بیشتر موارد اعلام انسانی و جغرافیائی بی‌نقطه‌گذاری تحریر شده و یا به نادرست نقطه‌گذاری شده است و این اشکال بیش از غلطهای دیگر و افتادگیها موجب دشواری تحقیق است.

نسخه دیگر جامع‌التواریخ حسنی به شماره ۴۳۰۷، متعلق بوده است به کتابخانه فاتح استانبول که اینک در کتابخانه سلیمانیه نگاهبانی می‌شود. این نسخه که جزو موقوفات سلطان محمود غازي و در ۴۲۵ برگ و مورخ ۸۵۹ هجری است به خط نستعلیق همان عبدالله کاتب اصفهانی است و رقمی که از او در برگ ۴۱۱ پ در پایان سرگذشت تیمور هست به خطی است که اصیل نیست، درین نسخه مقدمه هست تا برگ ۵، و سپس اصل کتاب تا سرگذشت تیمور (۵) تا ۴۱۱ پ. پس از آن بخش اخیر (تاریخ جماعت بعد از وفات حضرت صاحبقرانی) از ۴۱۲، تا ۴۲۵.

این نسخه بسیار مغلوط‌تر است از نسخه تهران. و مهم‌تر آنکه بخش اخیرش در پایان شرح حال میرزا سلطان محمد بایسنقر (برابر صفحه ۸۱۱ نسخه تهران) به انجام رسیده است^۶ و باقی مطالبی را که در نسخه نخستین هست فاقدست. اما در بعضی موارد هم مقدار مختصری مطالب دارد که نسخه تهران ندارد و به همین ملاحظه گاه مکمل نسخه دیگرست.

نسخه اساس چاپ ما نسخه کتابخانه ملی تهران (به نشانی ت) است و شماره صفحات استفاده شده از آن نسخه را میان | | نشان داده‌ایم و در مقدمه و بخش مشترک (فصل اخیر) با نسخه سلیمانیه (به نشانی س) مقابله شده و موارد اختلاف در ذیل صفحات و در جاهایی که کمبودهایی وجود داشته

۱- ص ۹۹ من.

۲- ص ۹۳ من.

۳- از این کاتب نسخه‌ای از جوامع‌الحکایات عوفی در طوب قابی سرای مورخ ۸۸۴ هست (فهرست نسخه‌های فارسی تألیف احمد منزوی، ۵: ۳۶۷).

۴- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی تألیف عبدالله انوار (تهران، ۱۳۵۱) جلد سوم صفحه ۳۹۱- Storey ۱: ۹۱ و ۱۲۳۶- فهرست نسخه‌های فارسی تألیف احمد منزوی (تهران، ۱۳۵۳) جلد ششم صفحه ۴۱۳۲ و بالاخره الذریعه (۵: ۴۶-۴۷).

۵- بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان، گردآورده دکتر مهدی بیانی، تهران، ۱۳۲۶، ص ۵ و ۶.

۶- پس از آن چند سطری به عنوان خاتمه نوشته شده است که در نسخه تهران (در صفحه ۸۵۱) آمده است و از آن برمی‌آید که میان صفحات ۸۱۱-۸۵۱ پس از صفحه اخیر تا پایان کتاب را مؤلف بعدها به مرور نوشته و در بین‌الدفتین کتاب خود جای داده است، چنانکه با مرور خود کتاب این نکته بوضوح روشن می‌شود و پیشتر دیدیم.

در متن آورده شده است.^۱ چون درین مقاله از عکسی که دانشمند گرانقدر، آقای عدنان ارزی استاد دانشگاه انقره در اختیار ما گذارده‌اند استفاده کرده‌ایم سپاسگزاری از ایشان را درینجا یاد آور می‌شویم. ما هم بمانند بسیاری از ایرانیان از گشاده‌دستی و دانش دوستی ایشان بهره‌ور شدیم.

جامع التوازیخ و خاورشناسان

ظاهراً نخستین بار فلیکس تاؤر از دانشمندان چکی به اهمیت این متن توجه کرد و نسخه سلیمانیه را که بررسی کرده بود به مورخان تاریخ ایران شناساند. برای آگاهی‌هایی که او عرضه داشت نگاه کنید به:

F. Tauer. — Manuscrits persans historiques des bibliothèques de Stanbul. Archiv Orientalni III, 1 (1931): p. 103.

پس از و کارل استوری انگلیسی چکیده مطلبی را که فلیکس تاؤر در مقاله خود آورده بود در کتاب «نوشته‌های فارسی» مندرج ساخت و آن را یک «تاریخ غیر مهم» دانست. او بعداً در ذیل کتاب، نسخه معرفی شده توسط مهدی بیانی، در مقدمه بدایع‌الآزمان را هم معرفی کرد. نگاه کنید به: C. A. Storey. — Persian Literature. London, 1927. p. 91; volume 1, part 2, p. 1236.

بالاخره ژان اوین فرانسوی در ترجمه فرانسوی رساله «دوسیدیم» از جامع‌التوازیخ حسنی استفاده زیاد برد و مکرر بدان ارجاع کرد. مخصوصاً به صفحه ۱۷-۱۹ آن رساله مراجعه شود که به مشخصات زیر چاپ شده است.

Jean Aubin. — Deux sayyids de Bam au xve siècle. 1956.

ضمناً گفته شود از ایرانیان بجز دکتر مهدی بیانی (که بیشتر اشاره شد) دکتر قاسم غنی در تألیف تاریخ عصر حافظ (تهران، ۱۳۲۱) و دکتر عبدالحسین نوائی در نگارش تعلیقات تاریخ آل مظفر تألیف محمود کبکی (چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۳) از جامع‌التوازیخ این شهاب به سزاواری بهره گرفته‌اند.

UNIVERSITÄTSBIBLIOTHEK TÜBINGEN
ORIENTABTEILUNG



Neuerwerbungen Vorderer Orient

Furmán-Farmanfayán, Sattára: Schahsade's Tochter: die faszinierende Lebensgeschichte einer Frau im Iran / Sattarah Farman-Farmanian zusammen mit Dona Munkler. [Aus dem Amerikan. übertr. von Uta Angerer und Erna Thom]. - Zürich: Schweizer Verl.-Haus, 1992. - 447 S.: Ill. Einheitssacht: Daughter of Persia; dt.

Iranisches Personennamenbuch / hrsg. von Manfred Mayrhofer u. Rüdiger Schmitt. - Wien, Verl. d. Österr. Akad. d. Wiss. - (Sonderpublikation der Iranischen und der numismatischen Kommission / Oesterreichische Akademie der Wissenschaften, Philosophisch-Historische Klasse)

5. : Iranische Namen in Neubeüberlieferungen indogermanischer Sprachen; Fasz. 6a Iranische Namen in den griechischen Dokumenten Ägyptens / von Philip Huxley - 1990. - 70 S.

Koch, Heidemarie: Es kündigt Dariojos der König ... : vom Leben im persischen Großreich / Heidemarie Koch. - Mainz/Rhein: von Zabern, 1992. - 309 S.: zahlr. Ill., Kt. - (Kulturgeschichte der antiken Welt; 55)

Pifkijan, Igor' R.: Oxos-Schatz und Oxos-Tempel: achämenidische Kunst in Mittelasien / Igor R. Pitschikjan. Berlin: Akad.-Verl., 1992. - XII, 155 S.: Ill., graph. Darst. - (Antike in der Moderne)

Rehm, Ellen: Der Schmuck der Achämeniden / von Ellen Rehm. - Münster: Ugarit-Verl., 1992. - XII, 468 S.: Ill. - (Altertumskunde des Vorderen Orients; 2) Überarb. zugl.: Münster (Westfalen), Univ., Diss., 1991 u. d. T.: Rehm, Ellen: Untersuchungen zum Achämenidischen Schmuck

Special issue in honour of K. R. Norman / guest eds.: L. S. Coonias ... - Dordrecht [u. a.]: Kluwer, 1992. - S. 84 - 272 III. - (Indo-Iranian Journal; 35,2/3) Festschrift Kenneth R. Norman

VanLindt, Paul: The names of Manichaean mythological figures: a comparative study on terminology in the Coptic sources / Paul Van Lindt. - Wiesbaden: Harrassowitz, 1992. - XXVII, 247 S. - (Studies in oriental religions; Vol. 26) Zugl.: Aarhus, Univ., Diss., 1992